



## درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه

پدیدآورنده (ها) : ثابت، حافظ

علوم تربیتی :: نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی :: زمستان ۹۷۳۱ -  
شماره ۴ (ISC) از ۳۹۵ تا ۶۳۰ آدرس ثابت :

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۰۱۲۸۶>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه

---

حجة الاسلام حافظ ثابت

(دانش پژوه مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام)

## مقدمه

مهم‌ترین هدف ادیان الهی و رسالت انبیا و اوصیای آن‌ها، هدایت و تربیت انسان برای رسیدن به کمال و قرب الهی است. از این رو، محتوای کلام و کردار آن‌ها، سرشار از نکات تربیتی و هدایت‌کننده است. آن‌ها همواره تلاش کرده‌اند انسان را از ظلمت و آلودگی رهانیده و به وادی نور و پاکی رهنمون شوند.

از آن‌جا که غریزه جنسی نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان دارد و افکار، گفتار و کردار او را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شایسته است به صورت مفصل مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد و با توجه به ابعاد مختلف آن، راه‌های استفاده مفید از آن مشخص شود و مواردی که ممکن است از طریق این غریزه، حیات مادی و معنوی انسان در معرض خطر قرار گیرد شناسایی شده و از افراط و تفریط خودداری گردد.

در این تحقیق، تربیت جنسی را از منظر انسانی و الای بررسی می‌کنیم که در سیر سلکوتی خود، تا آن‌جا پیش رفته که به گفته خودش، به راه‌های آسمان آشنا تر از راه‌های زمین است و در سفر معراج نبی اکرم ﷺ همپای آن حضرت سیر نموده است؛ مربی بزرگی که شعارش در تربیت این بود که: «مردم را با غیر زیانتان (یعنی عمل) به سوی خدا دعوت نمایید».

آن حضرت، خود در زندگی سراسر نورش، با گفتار و کردار مردم و به ویژه فرزندان خویش را به خوبی‌ها فرامی‌خواند و با الگوسازی، به راهنمایی و ارشاد آن‌ها می‌پرداخت.

آن‌چه در این پژوهش ارایه خواهد شد، مروری بر دیدگاه‌های امام علی علیه السلام درباره تربیت جنسی است که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تربیتی است که کمتر به آن پرداخته شده است؛ البته این تحقیق در حد بضاعت پژوهشگر در جمع‌آوری سخنان آن حضرت و استنباط حتی الامکان منطقی و درست و مناسب است؛ از این رو، پیشاپیش از نقدهای محققین عزیز استقبال می‌شود.

### تعریف تربیت جنسی

تعاریف متعددی از تربیت جنسی ارائه شده است که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم: عده‌ای معتقدند تربیت جنسی عبارت است از انتقال اطلاعات و مسایل جنسی. از این جهت معلمان و مربیان باید از یک رشته معلومات آگاهی داشته باشند و آنچه را در این باره می‌دانند، به متربی منتقل نمایند. انسان تربیت جنسی یافته نیز کسی است که مجموعه‌ای از آنچه درباره مسایل جنسی به آن نیاز دارد را بداند.

برخی دیگر تربیت جنسی را صرفاً به معنی آموزش جنسی نمی‌دانند، بلکه تربیت جنسی را فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی، به گونه‌ای می‌دانند که ضمن استفاده لازم از این غریزه، از انحرافات و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود.

به نظر می‌رسد تعریف دوم کامل‌تر از تعریف اول باشد، چراکه اگر مربی را با مجموعه‌ای از اطلاعات در زمینه‌ای خاص رها کنیم، به رشد و کمال او کمکی نشده است و چه بسا همین اطلاعات جنسی، موجب رشد زود رس غریزه جنسی و در نتیجه انحراف او شود.

به هر صورت، در این تحقیق بر اساس تعریف دوم، مسئله تربیت جنسی مورد بررسی قرار گرفته است و باید گفت مربیان وظیفه دارند شرایط فردی و اجتماعی را به گونه‌ای فراهم آورند که همراه با رشد جنسی فرد، به صورت طبیعی بر معلومات جنسی او افزوده شود و او به میل خود، از خطاهای حوزه جنسی اجتناب کند.

### اهمیت و ضرورت تربیت جنسی

با توجه به این که انسان دارای ابعاد مختلف جسمی و روحی است به لحاظ تأثیر و تأثر متقابل این ابعاد از یکدیگر، تربیت او نیز باید همه جانبه و در عین حال هماهنگ باشد؛ به ویژه آن‌که رشد این ابعاد همراه با هم و به صورت هم زمان اتفاق نمی‌افتد. از این رو، تربیت در هر زمینه‌ای باید متناسب با رشد آن زمینه باشد.

از سوی دیگر صاحب نظران و اندیشمندان تربیتی، به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران کودکی، پایه‌های اساسی ساختمان شخصیت انسان شکل می‌گیرد و دوره نوجوانی به بعد، زمان تثبیت شخصیت انسان است. باید متولیان امر تربیت، به ویژه والدین به این مهم توجه لازم را بنمایند و برای تربیت فرزند خود، از کودکی سرمایه‌گذاری نمایند. امام علی علیه السلام با توجه به همین مسئله، در وصیت خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. از این رو به تربیت و تأدیب تو اقدام کردم قبل از این که قلب تو سخت شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه‌ات (به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست) مشغول گردد».<sup>۱</sup>

بنابراین تربیت‌پذیری انسان و شکل‌گیری شخصیت انسان قبل از چهارده سالگی بیش‌تر میسر است و بعد از آن تربیت کردن با مشکلات زیادی همراه و تغییر ساختار شخصیت بسیار مشکل خواهد بود. در این میان، دوران کودکی نقش مهم‌تری دارد؛ اگر تربیت بخواید به صورت جامع و کامل پیاده شود، باید تربیت جنسی را به عنوان حلقه‌ای از حلقه‌های آن به حساب آورد و حتی با توجه به این که مسایل جنسی به صورت چشمگیری سایر ابعاد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، توجه به امر تربیت در این زمینه، ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

با توجه به نقش دوران کودکی، پرداختن به این مهم در این دوران، ضروری است، به گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران معتقدند که حیات جنسی انسان از بدو تولد شروع می‌شود. در دوران بلوغ نیز که اوج شکوفایی و رشد غریزه جنسی است، تربیت جنسی بیش‌تر ضروری به نظر می‌رسد. بر خلاف تصور مردم، دانشمندان و صاحب‌نظران تربیت معتقدند مسئله بلوغ را نباید مسکوت گذاشت، از کنار آن عبور نمود و نوجوان را در این زمینه به حال خود رها کرد؛ بلکه باید او را در جریان دگرگونی‌ها و تحولات جنسی، جسمی و روحی این دوره قرار داد. اگر مربیان و والدین از این مسئله غفلت کنند و از کنار آن بگذرند، آفات و آسیب‌هایی نوجوان را تهدید می‌نماید که از جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:

الف. استفاده از کانال‌های اطلاعاتی آلوده در این مورد، که در نتیجه عدم ارضای کنجکاوای جنسی صورت می‌گیرد.

ب. احساس گناه و خجلت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ، که به انزوا، درون‌گرایی و خود ارضایی می‌انجامد.

ج. عدم اطلاع از تکلیف شرعی و وظایفی که نوجوان از نظر شرعی در قبال عوارض جسمی و جنسی این دوره دارد و در نتیجه بنیان اخلاقی و اعتقادی وی در اوان تکلیف سست می‌شود. پس ضرورت دارد کسانی که به بلوغ می‌رسند، توسط افراد واجد صلاحیتی که مناسبات دوستانه‌ای هم با آن‌ها دارند، از این مقوله‌ها مطلع شوند و احساس و بینش سالم و صحیحی در رابطه با سیر طبیعی رشد خود پیدا کنند.

### اهداف تربیت جنسی

#### الف. رشد و تکامل فردی

این که رشد و کمال انسان در چیست، به نوع برداشت انسان از خود و جهانی که در آن زندگی می‌کند بر می‌گردد. در واقع باید دید چه نوع جهان بینی‌ای بر انسان حاکم است و او هدف از زندگی خود را چه می‌داند. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجاست و به کجا رهسپار است.»

برای یک انسان معتقد به خدا و قیامت، کمال نهایی رسیدن به مدارج عالی معنوی و قرب الهی است، ولی این که چه موقع و چگونه به کمال خود می‌رسد، سؤالی است که هر مکتبی به آن پاسخ داده است. آنچه از دین اسلام و سیره نبوی و علوی استفاده می‌شود، این است که رسیدن به کمال حقیقی، جز برای افرادی که همه افکار، امیال و آرزوها و گفتار و کردار خود را در جهت رضایت خدا قرار می‌دهند، ممکن نیست؛ همان انسان‌هایی که با اعتقاد به شعار توحیدی: «همه از خدایم و به سوی او باز خواهیم گشت»، به رفتارهای خود جهت الهی می‌دهند و رضایت خدا را بر همه چیز مقدم می‌دارند. البته نباید فراموش کرد که صفت قرب و کمال، دارای مراتب بسیار زیادی است و هرکس به همان اندازه که در مسیر آن حرکت نماید، به کمال نهایی نزدیک می‌شود. از سویی با توجه به استعدادهایی که انسان برای رسیدن به مقام عالی انسانی و قرب الهی دارد و بدون راهنما و مربی نیل به آن ممکن نیست، باید تحت تربیت مربیان آگاه و دلسوز قرار گیرد تا او را در رسیدن به این جایگاه کمک نمایند و از سوی دیگر، با توجه به مراحل که برای رشد و تربیت مطرح است، بعضی از انواع تربیت از جمله تربیت جسمی و جنسی، باید از دوره کودکی به بعد مورد توجه باشد، وگرنه رها نمودن کودک تا سنین نوجوانی و جوانی و محروم بودن او از تربیت صحیح، او را از رسیدن به سعادت که هدف آفرینش انسان است محروم می‌نماید. امام علی علیه السلام ادب نداشتن و محرومیت از تربیت را عامل همه بدی‌ها دانسته و می‌فرماید: «عدم الادب سبب کل شر»<sup>۱</sup> و خود نیز به عنوان پدری که مسئله تربیت فرزندانش را به عهده دارد، اهمیت و ضرورت تربیت، به خصوص تربیت نوجوان را در عمل نشان می‌دهد و فرزند خود را مخاطب ساخته و مسایل مهم تربیتی را مطرح می‌نماید که شرح آن در نامه ۳۱ نهج البلاغه، خطاب به امام حسن علیه السلام آمده است. در فرازی از همین نامه که قبلاً هم به آن اشاره شد، چنین آمده است: «همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. از این رو به تربیت و تأدیب تو اقدام کردم قبل از این که قلب تو سخت شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه ات (به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست) مشغول گردد»<sup>۲</sup>.

این نامه امام، به عنوان یک دستورالعمل و کتاب تربیتی، سرشار از نکاتی است که مربیان و متربیان باید آن‌ها را نصب العین خود قرار دهند. در همین فراز مورد استناد، نکات مهمی وجود دارد: نخست این که سرپرست کودک، هر که باشد، به ویژه والدین، باید در امر تربیت جدی باشد و آینده کودک را به خاطر سهل انگاری ضایع نگرداند. دیگر این که آمادگی برای پذیرش همه چیز، در مراحل اولیه عمر انسان زیادتر است؛ از این رو همان گونه که در بعد جسمانی مواظبت می‌شود که هر غذایی به کودک خوانده نشود، از نظر معنوی نیز باید دقت کرد که آنچه برای روح

۱. ماه مهر پرور، ص ۳۴. به نقل از شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

۲. معجم نهج البلاغه، نامه ۳۱، فراز ۲۱.

کودک مفید است به او برسد. قلب انسان که مرکز نگرش‌ها و گرایش‌هاست، اگر از معارف و مسایل صحیح پر نشود، خواه ناخواه جایگاه چیزهایی خواهد شد که به ضرر اوست و کار تربیتی چندان مؤثر واقع نخواهد شد؛ زیرا قلب به چیزی غیر از آنچه به صلاح کودک است، محکم شده و شخصیت او بر همان اساس شکل گرفته است. این مطلب درباره کودکان و نوجوانان به صورت جدی‌تر مطرح است؛ زیرا آن‌ها به سبب ویژگی‌ها و خصوصیات که دارند، از تأثیرپذیری زیادتری برخوردارند و به همین جهت، کار تربیت در مورد آن‌ها راحت‌تر صورت می‌گیرد. شاهد دیگر بر این ادعا، روایت دیگری است که از امام علی علیه السلام در این باره نقل شده است: «فرزند تو تا هفت سال مانند گل است (و از ظرافت خاصی برخوردار است) و هفت سال بعد (در اختیار و خدمتکار تو می‌باشد و از آن پس دوست یا دشمن تو خواهد بود)».

#### ب. ایجاد نسل سالم

با توجه به آنچه گفته شد و این که عمده تحولات شخصیتی، در دوره کودکی و اوایل نوجوانی رخ می‌دهد، هر چه از عمر انسان می‌گذرد و او به سنین بالاتر می‌رسد، نقش والدین در ارتباط با فرزندان ضعیف می‌شود و والدین کمتر بر فرزندان تأثیر می‌گذارند؛ زیرا از آن به بعد انسان بر اساس افکار، امیال و آنچه خود خوب می‌پندارد رفتار می‌کند. اگر والدین توانسته باشند اهداف، افکار، ایده‌ها و خط مشی کودک و نوجوان در رابطه با مسایل جنسی را، آن طور که مطلوب است، بازسازی و نوسازی نمایند و به آن جهت دهند، فرزندان نیز به موازات خواسته‌های آن‌ها عمل می‌کنند. چنین فرزندى با چنین کارهایی که از او سر می‌زند، دوست داشتنی خواهد بود؛ زیرا از استعدادها و امکانات خود برای رسیدن به اهداف عالی انسانی بهره برده است و در واقع برای نیل به کمال انسانی و قرب الهی گام برداشته است (البته برای پدران و مادرانی که بخواهند فرزندان در مسیر قرب الهی حرکت نمایند)؛ در غیر این صورت انسان مورد نفرت خواهد بود و روز به روز روابط او با والدین تیره‌تر خواهد شد، تا آنجا که از زندگی در خانه خسته شود و از خانه فرار کند؛ مشکلی که امروزه گریبان گیر بسیاری از خانواده‌هاست و سایر خانواده‌ها را نیز تهدید می‌نماید و مفسد ریز و درشت فردی و اجتماعی از آن به وجود می‌آید. بهترین راه پیش‌گیری از این مسئله، تقویت روابط خانوادگی، ایمان و عمل صالح در میان خانواده‌ها و به خصوص در دوران کودکی است.

#### ج. ایجاد جامعه سالم

صلاح و فساد هر جامعه بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آن‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرد؛ اگر همه یا اکثریت جامعه سالم باشند و رابطه آن‌ها با یکدیگر منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای

جامعه باشد، به آن جامعه، جامعه سالم گفته می‌شود و اگر همه یا بیش‌تر مردم در یک جامعه، به فساد مبتلا باشند و هنجارها و ارزش‌های مقبول جامعه بر روابط آن‌ها حاکم نباشد، آن جامعه هم فاسد و آلوده خواهد بود. از این‌رو برای این‌که به جامعه‌ای هر چه سالم‌تر و مفیدتر برسیم، باید نهادها و اجزایی که سازنده جامعه هستند، با ایجاد رابطه‌ای سالم با جامعه، آن را به سوی سعادت سوق دهند.

یکی از مسائلی که مردم در ارتباط باهم با آن روبه‌رو هستند، مسئله «غریزه جنسی» است. از آن‌جا که این غریزه به صورت یک نیاز در انسان وجود دارد، باید به گونه‌ای صحیح آن را ارضا نمود. اگر انسان در زمینه مسایل جنسی درست تربیت نشده باشد، برای ارضای این نیاز به راه‌هایی کشیده می‌شود که هم خود او را به تباهی و فساد می‌اندازد و هم جامعه را از بین می‌برد. از جمله انحرافات که افراد محروم از تربیت جنسی به آن مبتلا می‌شوند، زنا و لواط است که دو نقش مهمی در فساد و نابودی نسل انسانی و در حقیقت از بین بردن جامعه دارند. امام علی علیه السلام به این مهم توجه نموده و می‌فرماید:

«خداوند ترک زنا را واجب کرد تا نسبت‌های بین افراد حفظ شود و ترک لواط را واجب نمود تا نسل انسان تکثیر شود».

### زمینه‌ها و بسترهای بروز مسایل جنسی

#### الف. دنیا و دنیا طلبی

این‌که دنیا چیست و دنیا طلبی کدام است، موضوعی است که خود به بحث مفصلی نیازمند است؛ اما به صورت مختصر باید گفت که دنیا به معنی «پست» و «پایین» است و صفتی است برای زندگی؛ یعنی زندگی پست. این آیه شریفه نیز دنیا را با موصوف آن ذکر کرده است و به ماهیت آن اشاره نموده است: «اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد و ما الحیة الدنیا الا متاع الغرور؛ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست» و نیز آیه دیگری به صورت روشن‌تری از دنیا سخن گفته است: «محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت، از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است، (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند، ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان) نزد خداست».

امام علی علیه السلام نیز همین مظاهر دنیا را مذمت نموده و با آن به مبارزه برخاسته و فرموده‌اند: «من دنیا را با صورت به زمین زدم».

آن‌گاه که انسان همه چیز را در زندگی دنیایی ببیند از امکانات موجود برای خوشگذرانی و



راحتی در این دنیا استفاده کند و به اصطلاح دم را غنیمت شمرد، در مورد مسایل جنسی هم به همین صورت عمل می‌کند و از آن‌جا که یکی از شدیدترین لذت‌ها در این دنیا لذت جنسی است، انسان ناخواسته به سوی مسایل جنسی کشیده خواهد شد و اگر به این مسئله، تمکین مالی و رفاه اجتماعی فرد نیز افزوده شود، عمق آن زیادت‌تر خواهد بود.

#### ب. نقش ادراکات حسی در تحریک میل جنسی

بخش وسیعی از نگرش‌ها و گرایش‌های انسان، تحت تأثیر ادراکات حسی او شکل می‌گیرد و هرچه از عقل و فکر، کمتر بهره برداری شود، سهم حواس در این زمینه بیش‌تر خواهد شد. در واقع محسوسات اعم از دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بوییدنی‌ها، لمس کردنی‌ها و چشیدنی‌ها، مجرای ورود بیش‌تر ادراکات هستند. اگر قوه عاقله بر انسان حاکم باشد، از تأثیرگذاری زیاد محسوسات جلوگیری می‌کند و اگر قوه عاقله ضعیف و بی‌جان باشد و قوه مخیله بر آن‌ها اثر بگذارد، نگرش‌ها و گرایش‌هایی که معمولاً سطحی‌اند و خیر و صلاح دایمی فرد در آن‌ها لحاظ نشده، شکل می‌گیرند.

#### نقش دیدنی‌ها در تحریک میل جنسی

همان‌گونه که بیان شد حواس، به ویژه بینایی، نقش زیادی در تحریک شهوات به ویژه شهوت جنسی دارند و از سوی دیگر قوه بینایی راهی برای ارضای این میل نیز هست. از این رو، اگر انسان چشم خود را کنترل کند و هر منظره‌ای را نبیند، بهتر می‌تواند قوه شهویه خود، از جمله شهوت جنسی را کنترل نماید و در نتیجه از به وجود آمدن بسیاری از انحرافات مرتبط با غریزه جنسی جلوگیری نماید. از این رو امام علیه السلام نگاه را عاملی برای تحریک شهوت قلمداد نموده و می‌فرماید: «رب نظره زرع شهوه؛ چه بسا نگاهی که میلی را به وجود آورد»<sup>۱</sup> و با توجه به تأثیر زیاد دیدنی‌ها در تحریک شهوات، برای تعدیل آن می‌فرماید: «نعم صارف الشهوات غرض الابصار؛ بهترین عامل روی‌گردانی از خواهش‌ها و امیال، فرو بستن چشم‌هاست»<sup>۲</sup>. و در جای دیگر مکلف بودن انسان به رعایت حقوق اعضا و جوارح خود و این‌که درباره مسایل جنسی نیز تعهداتی دارد را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «اما حق فرجک حفظه عما لا یحل لک، والاستعانة علیه بغض البصر فانه من اعوان الاعوان، و کثره ذکر الله، و التهدد لنفسک بالله و التخفیف لها و بالله العصمه و التأئید؛ اما حق فرج تو آن است که از آن‌چه برای تو حلال نیست آن را حفظ نمایی و از چشم پوشی برای غلبه بر آن کمک‌گیری؛ زیرا که فرو بستن چشم، زیاد یاد خدا بودن، و نفس را تهدید نمودن به خدا و ترساندن نفس، بهترین کمک‌کننده (در این راه) است و به وسیله خدا انسان پاک می‌ماند و تأیید می‌شود».

با توجه به تأثیر زیاد بعضی از منظره‌ها در تحریک میل جنسی و زمینه سازی برای به وجود آمدن لغزش‌های جنسی، محدودیت‌هایی در نگاه کردن به آن‌ها قرار داده شده است و نگاه به آن‌ها مورد مذمت قرار گرفته است؛ از جمله نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر که از دیدگاه امام علی علیه السلام زمینه اصلی بروز انحرافات جنسی است.

از آن‌جا که اندام زن برای مرد تحریک کننده است، مرد حق ندارد به بدن او نگاه نماید؛ چه به قصد لذت باشد و چه نباشد. اگر نگاه به صورت و دست‌های زن تا میج مجاز شمرده شده است، ظاهراً به خاطر عسر و حرجی است که در پوشش زنان پیش می‌آید؛ علاوه بر این که، این جواز هم در صورتی است که به قصد لذت نباشد. با توجه به این که از زمان بلوغ جنسی، تمایل زن و مرد به یکدیگر زیاد می‌شود و از طرفی زن برای مرد از جذابیت بیش‌تری برخوردار است، حضرت علی علیه السلام نگاه مرد به زن، حتی به لباس او را ملامت نموده و از آن نهی نموده است: *و لا تكونن حدید النظر الی ما لیس لک فانه لا یزنی فرجک ما حفظت عینک و ان استطعت الا نظری الی ثوب المرأة الی لا تحل لک فافعل و لن تستطیع ذلک الا بأذن الله؛* به آن‌چه برای تو حلال نیست نگاه تیز و تند نداشته باش؛ زیرا تا وقتی که چشم خود را حفظ نمایی زنا نمی‌کنی و اگر بتوانی به لباس زنی که برای تو حلال نیست نگاه نکنی چنین کن و هرگز به این کار قادر نمی‌شوی مگر به اذن خدا<sup>۱</sup>. همان‌طور که بیان شد، نگاه، تخم شهوت را در دل می‌کارد و میلی را ایجاد می‌نماید؛ اگر نگاه قطع شود، این میل در همان سطح باقی می‌ماند و ممکن است با مشغول شدن به امور دیگر کم کم از بین برود، ولی اگر نگاه استمرار داشته باشد میل به تماس و لمس بدن، که ارضای زیادتری را به همراه دارد، در انسان شکل می‌گیرد. در این صورت، اگر زمینه فراهم باشد، فرد سراغ لمس کردن هم می‌رود. از این‌جا معلوم می‌شود چرا نگاه کردن مرد به زن نامحرم، حتی به لباس او به صلاح نیست و خواستار ترک آن شده‌اند و نظر بازی و چشم چرانی را زمینه آلودگی به زنا دانسته‌اند. کسانی که با این که چشم چرانی می‌کنند به دلایل مختلفی هنوز به زنا آلوده نشده‌اند، غالباً به انحرافات دیگر جنسی مانند هم جنس بازی، خود ارضایی و مانند آن‌ها مبتلا می‌شوند. از این‌رو وقتی حضرت در جمع اصحاب نشسته بودند و زن زیبایی از کنار آن‌ها گذشت و عده‌ای با چشم او را ورنانداز کردند فرمود: *وان ابصار هذه الفحول طوامع و ان ذلک سبب هبالها فاذا نظر احدکم الی امرأة تعجبه فلیامس اهله فانما هی امرأة کامرأته؛* به درستی که چشمان این مردان نظر باز است و همین سبب تحریک و هیجان است، از این‌رو هرگاه یکی از شما به زنی نظر انداخت که او را به تعجب واداشت، با همسرش نزدیکی نماید، زیرا آن زن هم مانند همسر خودش می‌باشد<sup>۲</sup>.

از طرف دیگر، نگاه کردن زن هم به مرد همان تأثیر در زمینه میل جنسی را با خود به همراه

دارد؛ از این رو به آن‌ها هم سفارش شده که به مردها نگاه نکنند؛ به خصوص اگر به قصد لذت جویی باشد. امام علی در ادامه سفارش به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «وان استطعت ان لا یعرفن غیرک فانعلی؛ اگر بتوانی کاری کنی که زنهایت غیر خودت را نشناسند این کار را بکن»<sup>۱</sup>.

حضرت علی (علیه السلام) در مورد نقش حس بینایی، قلب را که مرکز ادراکات و تصمیم‌گیری‌هاست، کتاب و نامه چشم می‌دانند و می‌فرمایند: «القلب مصحف البصر». اشعار و ضرب‌المثل‌های زیادی هم در این رابطه وجود دارد، مثل این شعر معروف «بابا طاهر» که:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد      که هر چه دیده بیند دل کند یاد

سازم خنجری نیشش ز پولاد      زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

گرایش و میل جنسی نیز تحت تأثیر محسوسات به ویژه دیدنی‌ها و لمس کردنی‌ها قرار می‌گیرد؛ از این رو، در ادامه به نقش محسوسات در تحریک میل جنسی می‌پردازیم.

### ج. فراهم بودن زمینه‌های تماس و تحریک بدنی

بستر خواب افراد باید از هم جدا باشد و دو فرد نباید در کنار هم، در یک بستر و زیر یک روانداز بخوابند؛ گرچه هم جنس بوده و با هم محرم و از یک خانواده باشند. این ممنوعیت شامل کودکان هم می‌شود، زیرا اگرچه آن‌ها از میل جنسی محروم هستند، ادامه یافتن این عمل برای آن‌ها، به صورت عادت در می‌آید و ترک آن، به ویژه در زمان بلوغ که میل جنسی بیدار شده و تمایل به تماس با بدن دیگری شدت پیدا کرده است، امری مشکل است. پس باید بستر افراد از زمان کودکی از هم جدا باشد. امام علی (علیه السلام) ضمن این که به مراحل از رشد انسان اشاره می‌کند می‌فرماید: «در هفت سالگی دندان شیری کودک می‌ریزد و در نه سالگی به نماز امر می‌شود و در ده سالگی بستر کودکان جدا می‌گردد و در چهارده سالگی محتلم می‌شود و نهایت قد کشیدن در بیست و یک سالگی و نهایت عقل در بیست و هشت سالگی است؛ مگر تجربه‌ها که ادامه دارد»<sup>۲</sup>.

و در جای دیگر لزوم جدایی بستر دختر بچه‌ها را از هم متذکر می‌شود و می‌فرماید: «از ده سالگی بستر خواب دختران از هم جدا می‌شود». ایشان در مورد عموم بچه‌ها نیز، سن شش سالگی را زمان جدایی بستر می‌داند و گوید: «به‌درستی که بستر کودکان شش ساله از هم جدا می‌شود».

### جدایی بستر زنان از بچه‌ها

باید بستر خواب زن‌ها و کودکانی که به سن ده سالگی رسیده‌اند از هم جدا باشد.

باید توجه داشت که متفاوت بودن عدد سال برای یک گروه خاص، منافاتی با هم ندارد. با

۱. معجم انفاذ نهج‌البلاغه همراه با نهج‌البلاغه و ترجمه. نامه ۳۱.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۲۳۱.

توجه به آنچه قبلاً در مورد کودکان و نوجوانان گفته شد و این که هر چه بر سن کودک افزوده می‌شود بر اطلاعات او از جمله درباره مسایل جنسی افزوده می‌شود و تحریک‌پذیری بیش‌تری پیدا می‌کند، این احکام با توجه به ستین مختلف، شدت و ضعف دارند؛ به این بیان که هر چه سن پایین‌تر باشد، از شدت امر کاسته می‌شود و هر چه بالاتر رود، بر شدت آن افزوده می‌شود تا به مرحله وجوب برسد. گرچه در روایات، بیش‌تر از زن و بچه‌ها در این باره سخن به میان آمده است، ولی به طریق اولی، در یک بستر بودن جوانان، به خصوص مردها مورد نهی قرار می‌گیرد و در مواردی با تعزیر و تنبیه همراه است.

امام علی علیه السلام درباره جدایی بستر خواب مردان از همدیگر می‌فرماینند: «هیچ مردی با مرد دیگر و هیچ زنی با زن دیگر هنگام خواب از یک پوشش و لباس استفاده نکنند. هر کسی مرتکب چنین کاری شد، باید او را اذنب نمود و تعزیر کرد».

در مورد بستر خواب نتیجه این که به جز همسر و بچه‌های کمتر از شش سال، لازم است بستر جدا باشد. علاوه بر این، نحوه خوابیدن می‌تواند در تحریک‌پذیری جنسی مؤثر باشد. از این رو باید کودکان را به شکلی از خوابیدن عادت و آموزش داد که کم‌ترین اثر تحریکی را داشته باشد. با توجه به این نکته، حضرت سفارش می‌کنند: «مرد نباید به رو بخوابد و هر که را دیدید که به رو خوابیده، بیدارش کنید و او را رها نکنید»<sup>۱</sup>.

از آن‌جا که یاد خدا نقش مهمی در دور کردن افکار شیطانی و نفسانی از انسان در خواب و بیداری دارد، شایسته است انسان با ایمان، با خواندن قرآن و دعاها و وقت خواب، افکار و خیالات نادرست و مزاحم را از خود دور کرده و با آرامش بخوابد. در رابطه با اذنب خواب، حضرت علی علیه السلام سفارش نموده‌اند: «هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راست خود را زیر گونه راستش بگذارد»<sup>۲</sup>.

از دیگر زمینه‌های تماس بدن که لذت جنسی قابل توجهی را به همراه دارد، این است که افراد یکدیگر را ببوسند. در واقع لب‌ها تحریک‌پذیری زیادی در این زمینه دارند. از این رو شدت رضایی که حاصل می‌شود زیاد است. به طور کلی بوسیدن لب دیگری مورد ملامت قرار گرفته و ترجیح داده شده که پیشانی یکدیگر که محل سجده است و انسان را به یاد خدا می‌اندازد بوسیده شود.

#### د. معاشرت‌ها و مصاحبت‌ها

معاشرت و هم‌نشینی زن و مرد با هم، زمینه هم‌سخن شدن را فراهم می‌کند و موجب کم‌شدن حیا و شرم می‌شود. این کار اگر ادامه یابد، با مزاح و شوخی طرفین همراه خواهد بود و از آن‌جا که در هم‌نشینی‌ها از قوه بینایی و شنوایی توأم استفاده می‌شود، تحریک میل جنسی برای

زن و مرد ایجاد می‌شود و زمینه لغزش و انحراف جنسی را فراهم می‌کند. حضرت علی علیه السلام این‌گونه معاشرت‌ها را سرزنش نموده و فرموده‌اند: «مردان را چه شده است که پیوسته یکی از آن‌ها نزد زنی که شوهرش به جنگ رفته می‌نشیند و با او حرف می‌زند و او هم با آن مرد حرف می‌زند. بر شما باد به این‌که از پشت پرده با آن‌ها صحبت کنید؛ همانا این کار عفت است»<sup>۱</sup>.

وقتی نشستن زن و مرد نامحرم با همدیگر در دیدرس عموم، با خطر لغزش همراه هست، خلوت نمودن با هم، زمینه آلودگی را زیادتیر و در نتیجه احتمال آلودگی را افزایش می‌دهد. با توجه به همین مسایل است که حضرت به مردم در مورد زن‌ها هشدار می‌دهند که: «از زنان شرور بپرهیزید و از خوبان آن‌ها بر حذر باشید و در خوبی‌ها از آن‌ها اطاعت نکنید که درباره بدی‌ها نسبت به شما به طمع بیفتند»<sup>۲</sup>.

میل جنسی مانند سایر امیال، امری طبیعی است و از دوره نوجوانی که بلوغ جنسی رخ می‌دهد، خود را نشان می‌دهد. در این دوره احساس نیاز جنسی در انسان پیدا می‌شود و انسان نسبت به جنس مخالف خود متمایل می‌شود. در این دوره، دو جنس نسبت به گفتار و رفتار یکدیگر حساسیت بیش‌تری پیدا می‌کنند و گویا خالق انسان به این صورت زمینه‌سازی می‌کند که این دو نیازهای جنسی خود را نزد یکدیگر بر طرف نمایند. با این حال، از زمان بلوغ، شرم و حیا در آن‌ها به صورت چشمگیری مشاهده می‌شود و در واقع این نیروی درونی (حیا) بین آن نیاز و میل جنسی و آن تمایل به یکدیگر به عنوان مانع و حجابی قرار می‌گیرد تا دو جنس مخالف ارتباط ناسالم با هم نداشته باشند. از طرف دیگر، قرار بر این نیست که میل جنسی دختر و پسر به صورت کامل سرکوب شود و هیچ بهره‌ای از آن برده نشود. اگر چنین بود خداوند آن را در وجود انسان قرار نمی‌داد؛ بلکه همان‌طور که انبیای الهی و جانشینان آن‌ها سفارش کرده‌اند، بهترین راه تعدیل غریزه جنسی، ارضای آن به وسیله ازدواج دائم یا موقت است. از آن‌جا که امکان ازدواج برای همه افرادی که به بلوغ جنسی می‌رسند فراهم نیست، فاصله‌ای بین زمان بلوغ و ازدواج پیدا می‌شود که در مواردی به ده‌ها سال می‌رسد و برای چنین افرادی، چاره‌ای جز تعدیل و کنترل کردن میل جنسی نیست و تنها با دادن زمام این مرکب سرکش به دست عقل و شریعت، می‌توان عوامل و زمینه‌های تحریک و تهییج میل جنسی را کنترل کرد.

#### ۸. رفتارهای ناصواب والدین

انسان از کودکی در کنار پدر و مادر خود به سر می‌برد و از این رو، رفتار آن‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او و نوع رفتاری که از او سر می‌زند دارد. کودک دوست دارد کارهایی که بزرگ‌ترها، به خصوص والدین انجام می‌دهند را تکرار نماید. از این جهت اگر والدین به جنبه

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، باب ۲۲۳، ص ۱۴۷ و شرح خوبی، ج ۲۰، باب ۴۸۲، ص ۲۳۷.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۷۹، ص ۱۷۹.

آموزشی رفتار خود توجه نکنند و هر کاری را در مقابل چشمان فرزندان خود انجام دهند، راه خطا را پیموده‌اند و چه بسا آینده آن‌ها را تیره و تار نمایند. از این رو والدین باید مراقب رفتارهای خود باشند تا از تأثیر سوء آن‌ها جلوگیری شود. اسلام توجه خاصی به این مسئله نموده و توصیه‌های گوناگون و مفیدی ارائه نموده است.

## راه‌های تربیت جنسی

### الف. توصیه‌های عام

#### ۱. پرهیز از دنیا و فریفته شدن به آن

هدف بخش عمده‌ای از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام، آگاه نمودن افراد نسبت به پیامدهای رفتاری آن‌هاست و حضرت سعی دارند با افزودن به شناخت انسان، او را از افراط و تفریط در بهره‌گیری از تمتعات و لذایذ دنیوی، از جمله لذت‌های جنسی، بر حذر دارند و راه اعتدال را به او نشان دهند. از این جهت، آن حضرت، به تبیین ماهیت شهوات و لذات دنیا، از جمله لذت جنسی و آثار و پیامدهای آن پرداخته‌اند و با توجه به این‌که دنیا و لذت‌های آن در مقایسه با آخرت و لذت‌های آن ضعیف و ناپایدار است، آن را مذمت نموده و انسان را از آن برحذر داشته‌اند: «من دنیا را به رو انداختم و اندازه‌اش را گرفتم و به حقیقت آن بینا هستم»<sup>۱</sup>.  
و درباره ماهیت دنیا می‌گویند: «و شما را از دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا که منزل پایدار و خانه‌ای ماندنی نیست و به درستی که به غرور آراسته شده و با زینت‌اش فریب دهنده است؛ خانه‌ای است که نزد خداوند خوار است»<sup>۲</sup>.

آن حضرت هم‌چنین در فرازی دیگر، ضمن اشاره به هدف خلقت، به ناسازگاری شهوت‌ها با بهشت اشاره کرده، می‌فرمایند: «الا فما یصنع بال دنیا من خلق للاخرة»<sup>۳</sup>؛ کسی که برای آخرت آفریده شده با دنیا چکار می‌کند» و «من اشتاق الی الجنة سلا عن الشهوات»<sup>۴</sup>؛ هر کس مشتاق بهشت است از شهوات رها شده و آن‌ها را به فراموشی بسپارد» و آن‌گاه که در مقام تعلیم و تربیت فرزند خویش برآمده‌اند و دنیا و آخرت را توصیف نموده‌اند، به تحقیر دنیا و اهل آن می‌پردازند و می‌فرمایند: «فرزندم! تو را از دنیا و ناپایداری و زوالش و انتقال آن با خبر کردم و تو را از آخرت و آن‌چه برای اهل آن مهیا شده، آگاه نمودم و مبادا از این‌که اهل دنیا به آن چسبیده‌اند و مانند سنگ بر سر دنیا به هم می‌پرند فریب بخوری»<sup>۵</sup>.

حضرت با توجه به این‌که ریشه همه مفاسد، لذت جوی و شهوت‌رانی است می‌گویند:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸، فراز ۳

۲. معجم الفاظ نهج البلاغه، ۱۱۳، فراز ۱.

۳. همان، خطبه ۱۲۸.

۴. شرح غرر آمدی، ح ۵۵۳۳.

۵. شرح غرر آمدی، ح ۵۵۳۳.

«ریشه و سبب بدی‌ها، غالب شدن شهوت است»<sup>۱</sup> و از شهوت به عنوان سم کشنده، شکارگاه شیطان و ریشه آفت‌ها یاد نموده و از انسان‌ها می‌خواهند با آن به مقابله برخیزند. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «با شهوت ضدیت داشته باشید، همان‌گونه که دو ضدّ با هم ضدّ هستند و با آن به جنگ و مبارزه برخیزید، به همان صورت که دشمن با دشمن می‌جنگد»<sup>۲</sup>.

با این بیان حضرت می‌خواهند به ما پیاموند که برای رسیدن به سعادت اخروی و حتی دنیوی، باید موانع را شناخت و به فکر برطرف نمودن آن بود و برای انسان چه مانعی بزرگ‌تر از این‌که به لذت‌های زودگذر و آمیخته به رنج و بعضاً همراه با رسوایی مشغول شود. در ادامه به آثار و پیامدهای سوء شهوت اشاره می‌شود.

## ۲. هشدار نسبت به پیامدهای شهوت

انسان دارای قوای متعددی از جمله قوه شهویه، غضبیه، موهمه، خیالیه و عاقله است. قوه شهویه نیرویی است که بقا، رشد و نموّ و تولید به آن مربوط می‌شود؛ از این‌رو وقتی انسان تشنه یا گرسنه می‌شود، میل به نوشیدن آب و یا خوردن در او پیدا می‌شود و تا زمانی که این میل ارضا نشود، از بین نمی‌رود. میل جنسی که بخشی از قوه شهویه است، برای بقای نوع انسان و ازدیاد بشر در وجود آدمی نهاده شده است. به همین دلیل امیرالمؤمنین علیه السلام، ضمن امر به ازدواج، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد آور می‌شوند که: «ازدواج کنید، زیرا موجب زیاد شدن مسلمانان است» و می‌فرمایند:

«تزوجوا فان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من كان يحب ان يستن بسنتي فليتزوج فان من سنتي التزويج و اطلبوا الولد فاني مكاتر بكم الامم غدا»<sup>۳</sup>. از سوی دیگر، قوه غضبیه و وظیفه ایجاد امنیت برای سایر قوا را به عهده دارد و در مواردی که اصل حیات و یا زمینه‌های بقا حیات و یا آنچه بر حیات انسان مترتب است و ثمره زندگی است در مخاطره بیفتد، قوه غضبیه انسان بیدار می‌شود و انسان را برای ایجاد امنیت به فعل و انفعال وا می‌دارد.

قوه شهویه و غضبیه، مجری قوای عاقله و خیالیه و موهمه به حساب می‌آیند و هر چه را که این قوا تأیید کنند، مجریان به آن عمل می‌نمایند. قوه شهویه و غضبیه در حیوانات هم وجود دارد، چون آن‌ها هم به تولید و تکثیر و حفظ موجودیت خود نیازمند هستند؛ ولی از دو قوه عاقله و خیالیه محروم هستند و تنها بر اساس اوهام کار می‌کنند. از این‌جا می‌توان پی برد که چرا بعضی از انسان‌ها، از حیوانات پست‌تر، بعضی هم ردیف حیوانات و برخی نه تنها از حیوانات برترند که از فرشتگان هم فراتر می‌روند.

اگر قوای عامله و مجریه در اختیار قوه عاقله باشند، از آن‌جا که عقل خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌شناسد و به خوبی‌ها دستور می‌دهد و از بدی‌ها نهی می‌کند، اولاً نگرش‌ها و گرایش‌ها،

۲. همان، ح ۵۹۳۴.

۱. غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۵۹۱.

۳. نهج البلاغه، وصیت ۲، ص ۷۳۶.

سمت و سوی درست و متناسب با سعادت انسان را، که هدف آفرینش است، پیدا می‌کند و فرد حاضر نمی‌شود امیال خود را به هر صورت که باشد ارضا نماید و از قوه غضبیه در این راستا استفاده می‌تواند و عقل را هم به کار می‌گیرد تا ببیند چه چیزی نیاز واقعی اوست و چگونه باید برآورده شود، و ثانیاً به پیامدهای عمل توجه کرده و سپس دست به عمل می‌زند. در واقع، کار عقل، راهنمایی و ارشاد و در نتیجه تعدیل امیال و خواهش‌های نفسانی است. اما اگر قوای انسان، کارگزار قوه خیال او باشند، از آنجا که این قوه بر اساس واقع حکم نمی‌کند، انسان را به ارضای امیال و شهوات، به هر شکل دعوت می‌نماید. در این صورت انسان برای رسیدن به آرزوها و ارضای غرایز، دست به هر کاری می‌زند و خشم و غضب خود را برای رسیدن به شهوات و آرزوهای بعضاً دست نیافتنی به کار می‌گیرد. از این رو در درندگی و شهوت رانی از حیوانات هم سبقت می‌گیرد. کار عقل این است که قوای شهویه و غضبیه را تعدیل نموده، آن دو را از افراط و تفریط باز دارد و بهره‌گیری درست را از این قوا ممکن و میسر سازد. عقل حجت خدا بر انسان و در انسان است؛ همان‌گونه که امام حجت خدا بر او در زمین است و اگر زمام امر فرد و جامعه در دست این دو حجت باشد، سعادت فرد و جامعه در دنیا و آخرت تأمین خواهد شد. با توجه به این مسئله، امام علی علیه السلام تبعیت از شهوات و رفتن به دنبال آمال و آرزوهای دور و دراز را مذمت نموده و ضمن هشدار به انسان، راه‌های تعدیل قوای شهویه و غضبیه را بیان نموده‌اند که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

غریزه و میل جنسی، زیر مجموعه و بخشی از شهوات است، اما هر جا به صورت عام از شهوت سخن به میان می‌آید شهوت جنسی را شامل می‌شود؛ شاید به این دلیل است که شدیدترین و لذت بخش‌ترین غریزه، لذت جنسی است و می‌توان از آن به عنوان مصداق کامل شهوت نام برد. حتی نقل است که برای اهل بهشت هم یکی از بهترین لذت‌ها همین است. از طرفی میل جنسی مانند سایر امیال، تا ارضا نشود از بین نمی‌رود و انسان به آرامش نمی‌رسد و نمی‌توان از نظر عقل و شرع آن را به سرکوب کرد. نه می‌توان از افراد خواست مانند بعضی مسیحیان ازدواج نکنند، و نه می‌توان بی ضابطه و بدون حد و حصر، راه ارضا را برای آن باز گذاشت؛ زیرا از نگاه روان‌شناسانه، اگرچه میل جنسی از سویی به جسم مرتبط است و زود ارضا می‌شود، ولی از سوی دیگر عطشی روحی همراه آن است که به سادگی از بین نمی‌رود. بنابراین در این رابطه نمی‌توان انتظار ارضای کامل را داشت. از طرف دیگر چون رفع این نیاز در ارتباط با دیگر انسان‌ها میسر می‌شود، بی بند و باری در ارضای این غریزه، با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به ویژه جامعه دینی هم سازگاری ندارد.

با توجه به آن‌چه گفته شد تنها یک راه باقی می‌ماند و آن ارضای معین و محدود غرایز و امیال است. از این رو باید شهوات و امیال را تعدیل و کنترل نمود و به اندازه لازم به آن‌ها جواب



مثبت داد. در این رابطه باید عواملی که موجب تحریک شهوات، از جمله شهوت جنسی، می‌شوند را شناخت و در کنترل درآورد.

اکنون با این نگاه، سخنان امام علی علیه السلام را مورد توجه قرار داده و به آن استناد می‌نماییم و راه‌های تعدیل و کنترل شهوات، به خصوص میل جنسی را ارایه می‌نماییم تا مربیان و متریبان با این مقوله پیش‌تر آشنا شوند.

امام علی علیه السلام برای این‌که انسان‌ها در زمینه خواست‌ها و خواهش‌های خود، اعم از جنسی و غیر جنسی، راه اعتدال را پیمایند، در مواردی به صورت کلی به پیامدهای سوء شهوات اشاره می‌نمایند و در مواردی شهوت خاصی مانند شهوت جنسی، یا خوردن و آشامیدن را مورد توجه قرار می‌دهند و به ارشاد و هدایت مردم می‌پردازند و راه‌های تعدیل و کنترل غریزه‌ای را نشان داده، چگونگی پیش‌گیری از لغزش‌ها را ارایه می‌نمایند.

#### آثار و پیامدهای شهوت

۱. شهوت انسان را به سوی گناه می‌کشاند: «اهجر والشهوات فانها تقودکم الی رکوب الذنوب و التهجم علی السیئات؛ شهوات و خواسته‌های نفسانی را از خود دور کنید، زیرا این‌ها شما را بر مرکب گناه سوار می‌کنند و به سوی بدی‌ها می‌کشانند»<sup>۱</sup>.

۲. شهوت دین را فاسد می‌کند: «طاعة الشهوة تفسد الدین؛ اطاعت کردن از شهوت دین را فاسد می‌کند»<sup>۲</sup>.

۳. شهوت عقل را فاسد می‌کند: «طاعة الشهوة تفسد العقل؛ اطاعت از شهوت عقل را فاسد می‌نماید»<sup>۳</sup>.

۴. شهوت با رسوایی همراه است: «حلاوة الشهوة ینقصها عار الفضيحة؛ شیرینی شهوت با ننگ رسوایی از بین می‌رود»<sup>۴</sup>.

۵. شخصیت را خرد و لکه دار می‌کند: «من زادت شهوته قلت مروته؛ هر کس شهوتش زیاد شد شخصیتش کم می‌شود»<sup>۵</sup> و «زیاده الشهوة تزری بالمروة؛ زیادی شهوت شخصیت را لکه دار می‌کند»<sup>۶</sup>.

۶. شهوت با حکمت جمع نمی‌شود: «لا تسکن الحکمة قلبا مع شهوة؛ لا تجمع الحکمة والشهوة؛ حکمت و شهوت با هم جمع نمی‌شوند»<sup>۷</sup>.

۷. شهوت تقوا را فاسد می‌کند: «لا یفسد التقوی الا بغلبة الشهوة؛ تقوا فاسد نمی‌شود مگر با غلبه بر شهوت»<sup>۸</sup>.

۸. شهوت انسان را به زمین می‌کوبد: «ما رفع امرأ کهمته و لا وضعه کشهوته؛ هیچ چیز مانند

۱. شرح غرر آمدی، ح ۵۹۳۴	۲. شرح غرر، ح ۵۹۸۵
۳. همان، ح ۵۹۸۳	۴. همان، ح ۴۸۸۵
۵. همان، ح ۸۰۲۲	۶. همان، ح ۵۵۰۷
۷. همان، ح ۱۰۶۰۶	۸. همان، ج ۶، ح ۹۷۰۷

همت و اراده، انسان را بلند نمی‌کند و هیچ چیز مانند شهوت او را به زمین نمی‌زند<sup>۱</sup>.  
با توجه به پیامدهای زیان‌بار شهوت‌رانی، از جمله شهوت جنسی، انسانی که به دنبال سعادت است، باید امیال خود را تعدیل نموده، در کنترل خود در آورد و به اندازه لازم و در مسیر تکامل خویش از این نعمت خدادادی استفاده نماید.

### راه‌های غلبه بر شهوت

از آن‌جا که شهوت و میل، اعم از جنسی و غیر جنسی، امری درونی است که به تدریج در انسان شکل می‌گیرد، برای کنترل آن و در سیطره عقل درآوردن آن، به صبر و مقاومت نیاز است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قاوم الشهوة بالقمع لها نظفر» به قصد قلع و قمع شهوت مقاومت کن، پیروز می‌شوی<sup>۲</sup>.

راه‌های مختلفی برای کنترل شهوت و غلبه بر آن وجود دارد که به بعضی اشاره می‌شود: این‌که انسان منشأ شهوت را بشناسد. با توجه به این‌که حضرت خاستگاه شهوت را مال و ثروت می‌دانند: «العمال ماده الشهوات»<sup>۳</sup>، انسان باید برای جلوگیری از طغیان شهوت، از جمع آوری مال و ثروت خودداری نماید و برای این کار اتفاق در راه خدا بهترین راه است؛ زیرا علاوه بر این‌که موجب رضایت الهی است، سبب تقویت ایمان نیز می‌شود و این به نوبه خود در تعدیل و کنترل غرایز نقش اساسی دارد.

از سوی دیگر انسان باید به شهوت‌ها، از جمله شهوت جنسی، به عنوان دشمن نگاه کند و مراقب باشد که در دام آن‌ها نیفتد؛ همان‌طور که امام نیز فرمودند با شهوت‌ها ضدیت داشته باشید.

۲. شناخت انسان نسبت به شأن و شخصیت خود و احیای شخصیت معنوی، عامل مهمی برای کنترل شهوت و غلبه بر آن به حساب می‌آید. کسانی که برای خودشان احترام قایل هستند و ارزش و اعتبار خود را برتر از مسایل دنیوی می‌دانند، شهوت را خوار می‌نمایند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته؛ هر کس شخصیتش برایش کریم و بزرگ باشد شهوت‌اش را خوار می‌نماید»<sup>۴</sup>.

کسانی که از آبرو و شخصیت ممتازی در میان خانه و جامعه برخوردار هستند، اگر بدانند که پیروی از شهوات به ویژه شهوت و لذت جنسی و ارضای آن‌ها به صورت نادرست، با آبرو ریزی و رسوایی همراه است، از انجام کارهایی که به شخصیت‌شان ضربه بزند خودداری می‌کنند. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «من عرف شرف معناه صانه عن دأته شهوته؛ کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد خود را از پستی شهوت مصون می‌دارد»<sup>۵</sup>.

۱. همان، ج ۶، ص ۹۷۰۷. ۲. همان، ج ۶، ص ۸۰۳.

۳. شرح نهج البلاغه خویی، ج ۲۱، ص ۹۷. ۴. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۷۱.

۵. غرر الحکم، ج ۹۰۶۹.

از این بیان استفاده می‌شود که یکی از راه‌های حفظ پاکی مردم، به خصوص نوجوانان و جوانان و جلوگیری از لغزش‌های آنها، آگاه نمودن آنها نسبت به شخصیت والای انسانی و متوجه کردن آنها نسبت به پیامدهای سوء بی بند و باری اخلاقی و جنسی است.

۳. یکی از عوامل دیگری که به انسان کمک می‌کند تا بر شهوت غلبه نماید، یاد مرگ است. برای کسانی که به قیامت اعتقاد دارند، توجه به این که دنیا و لذت‌هایش گذرا و محدود است و باید روزی برای محاسبه اعمال نزد پروردگار حاضر شد، باعث می‌شود بین لذت دنیا و آخرت، لذت دوم را برگزینند. حضرت علی علیه السلام درباره خودشان می‌فرمایند: «أنتی لیسمعی من اللعب ذکر الموت؟ یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد»<sup>۱</sup> و با توجه به تأثیر یاد مرگ در کم نمودن شهوت و لذت، به مردم سفارش می‌کنند که زیاد به یاد مرگ باشند: «اکثروا ذکر الموت فانه هادم اللذات؛ زیاد به یاد مرگ باشید، زیرا نابودکننده لذت‌هاست»<sup>۲</sup> و آن حضرت هم‌چنین می‌فرماید هنگام درگیری با شهوت، زیاد یاد مرگ کنید: «فاکثروا ذکر الموت عند ما تنازعکم الیه انفسکم من الشهوات فانه کفی بالموت واعظا؛ وقتی نفس شما خواست شما را درباره شهوات به تباهی بکشاند، زیاد به یاد مرگ باشید، زیرا برای موعظه، یاد مرگ کافی است».

از طرف دیگر، توجه به ناپایداری لذات دنیا و به جا ماندن رنج و تبعات آن و این که لذات، انسان را از کارهای بزرگ باز می‌دارند، مانع غرق شدن در خواهش‌ها و امیال نفسانی می‌شود. بنابراین حضرت یاد آور می‌شود که: «پایان لذت‌ها و بر جای ماندن تلخی‌ها را به یاد آورید» و نیز می‌فرمایند: «از شهوات بر حذر باش و باید از جمله چیزهایی که از آن برای خودداری از شهوات کمک می‌گیری، علم تو باشد به این که شهوات، عقل را به بازی می‌گیرد و نظر و رأی تو را پست می‌کند، هدف و غرض تو را عیب دار می‌نماید، تو را از کارهای بزرگ باز می‌دارد و باعث رنج تو در آخرت می‌شود»<sup>۳</sup>.

نقش حیا در کنترل غریزه جنسی

الف. تعریف حیا

«ابن ابی‌الحدید» در مورد حیا از بعضی حکما چنین نقل کرده است: «حیا عبارت است از گرفتگی نفس از زشتی‌ها، و این از خصایص انسان است و در بچه‌ها اولین چیزی که از قوه فهم آنها آشکار می‌شود حیا است و خدا آن را در انسان قرار داده تا کناره‌گیری کند از زشتی‌هایی که نفس، انسان را به سوی آن می‌کشاند، و مانند حیوان نشود، و حیا مرکب از ترس و عفت است. از این رو نه باحیا، فاسق است و نه فاسق، باحیا؛ زیرا عفت و فسق با هم جمع نمی‌شوند. اما

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۶، باب ۸۳، ص ۲۸۰.

۲. همان، باب ۶۷، ص ۶۹.

۳. همان، باب ۹۲، ص ۲۶۵.

خجالت، حیرتی است که به خاطر افراط در حیا به انسان می‌رسد.

صاحب فرهنگ «معارف و معاریف» نیز به نقل از «اقرب الموارد» در تعریف حیا گفته است: «حیا یعنی شرم، آرم، حشمت، گرفتگی نفس از چیزی (کاری) و ترک آن به خاطر ترس از سرزنش».

#### ب. انواع حیا

با توجه به چیزی که نسبت به آن حیا ورزیده می‌شود سه نوع حیا مطرح شده است:

«حیا از خدا»؛ «حیا از هم نوع (انسان)» و «حیا از خود».

«ابن ابی‌الحدید» در این باره می‌گوید: «انسان از سه چیز حیا می‌کند: از بشر، از خودش و از خدا. غالباً بیش‌ترین حیایی که انسان می‌کند، نسبت به دیگر انسان‌هاست، سپس نسبت به خود و در آخر نسبت به خدا. هم‌چنین با توجه به کار و موردی که به خاطر وجود حیا از آن صرف نظر می‌شود، نیز دو نوع حیا مطرح شده است: «حیای نفسانی» و «حیای ایمانی». در این باره از «جرجانی» نقل شده است که: «حیا دو نوع است: نفسانی و ایمانی. حیای نفسانی، شرمی است که خداوند در همه نفوس آورده است، مانند شرم از کشف عورت و جماع بین مردم؛ و حیای ایمانی، شرمی است که مؤمن را از ارتکاب معاصی به دلیل ترس خدا باز می‌دارد.

#### ج. رابطه حیا و کنترل غریزه جنسی

از تعریف‌هایی که برای حیا شده و احادیثی که در این زمینه رسیده است، استفاده می‌شود که هر کس با حیا باشد، در مقام گناه از آن خودداری می‌کند. در واقع نیروی شرم و حیا، فرد را از آلوده شدن باز می‌دارد و هر چه حیا بیش‌تر باشد، نیروی بازدارنده قوی‌تر خواهد بود. در نتیجه احتمال کار قبیح و زشت کمتر است. امام علی علیه السلام حیا را عامل کنترل‌کننده و بازدارنده انسان از ارتکاب زشتی‌ها دانسته و از وجود رابطه‌ای قوی و ناگسستگی بین حیا و پاکی از آلودگی‌ها خیر می‌دهد: «من كساه الحياء ثوبه لم ير الناس عيبه؛ هر کس لباس حیا بپوشد، مردم عیب او را نمی‌بینند»<sup>۱</sup> و در خصوص ارتباط حیا با عفت و پاکدامنی فرموده‌اند: «على قدر الحياء تكون العفة؛ عفت و پاکدامنی به اندازه شرم و حیای انسان است»<sup>۲</sup>.

از طرف دیگر، امام علیه السلام ضمن این که به انسان در مورد عاقبت اعمالش هشدار می‌دهد، او را به توسعه دادن حیا نسبت به کسانی که باید از آن‌ها حیا نمود، از حیای نفسانی به حیای ایمانی فرا می‌خواند و می‌فرماید: «اتقوا معاصي الله في الخلوات فان الشاهد هو الحاكم؛ از معصیت نمودن در خلوت‌ها خودداری کنید، زیرا کسی که اکنون شاهد و ناظر شماست خودش حاکم و قاضی است»<sup>۳</sup> و نیز می‌فرماید: «از هر کاری که در آشکار و علن از انجام آن حیا می‌کنی، در خلوت

۱. نهج البلاغه، قصار ۲۲۳ (دشتی)، ص ۶۷۶.

۲. غررالحکم، ج ۲، فصل ۵۱، حدیث ش ۱۰.

۳. نهج البلاغه، قصار ۲۲۴ (دشتی)، ص ۷۰۶.

هم برحذر باش! <sup>۱</sup>.

امام علیه السلام در جای دیگر به نقش حیا در نوع رفتاری که از انسان سر می‌زند و به عزیز بودن و یا پست بودن انسان منجر می‌شود، اشاره کرده‌اند: «از سخن هیچ کس راضی نشو الا این که از کارش راضی شوی، و از کار کسی راضی مشو مگر این که از عقل او راضی باشی، و از عقل او راضی مشو مگر این که از حیای او راضی باشی؛ زیرا در طبیعت انسان کرامت و پستی قرار داده شده است. اگر حیا نزد انسان قوی بود، کرامت و بزرگ منشی نزدش قوی است، و اگر حیا نزد او ضعیف و بی جان بود، ذلت و پستی‌اش زیاد خواهد بود» <sup>۲</sup>.

د. راه کسب حیا و تقویت آن

#### الگوها

برای این که حجب و حیا در انسان شکل بگیرد و تقویت شود، فرد باید در محیطی رشد کند که اطرافیان او در گفتار و کردار خود مراقبت نمایند و از گفتار و کردار زشت خودداری نمایند. در این صورت کودک و نوجوان که دوست دارد نمونه‌ای کوچک از افراد بزرگ‌تر از خود باشد، ترجیح می‌دهد مانند بزرگ‌ترها رفتار کند. در نتیجه اگر الگوهای رفتاری حیا داشته باشند، کوچک‌ترها هم از حیا بهره‌مند می‌شوند و اگر افراد بزرگ‌تر خانواده، که نقش الگو را برای کوچک‌ترها ایفا می‌کنند، افرادی بی بند و بار و لایبالی باشند، نباید انتظار داشت افراد پرورش یافته با آنها، انسان‌هایی با شخصیت و حیا باشند.

نهی و سرزنش نسبت به بد و بدکار

هرگاه سخن یا کار زشتی از کسی سر زد و او سرزنش و از انجام آن عمل زشت، اظهار ناراحتی و تأسف شد، فرد هم به قبح عمل خود آگاه می‌شود و هم از انجام دوباره آن در حضور دیگران خجالت می‌کشد و احساس شرمندگی می‌نماید؛ در نتیجه احتمال تکرار آن عمل کم می‌شود.

تقویت ایمان

آن‌گونه که از روایات استفاده می‌شود، بین ایمان و حیا نسبت بسیار نزدیکی وجود دارد، تا آن‌جا که در بعضی روایات، از حیا به عنوان بخشی از ایمان و در برخی به عنوان کل ایمان و یا زینت آن نام برده شده است: «الحیا شعبه من الایمان؛ حیا شعبه‌ای از ایمان است» <sup>۳</sup>؛ «لا ایمان لمن لا حیا له؛ هر کس حیا نداشته باشد ایمان ندارد» <sup>۴</sup>؛ «لا ایمان عریان و لبسه التقوی و زینته الحیاء؛ ایمان برهنه (و تنها) است و لباس‌اش پرهیزگاری و زینت‌اش حیاست» <sup>۵</sup>.

۱. سیری در زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۵۱. ۲. شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲، باب ۵۵۴، ص ۳۱۰.

۳. جهل حدیث زن، ص ۱۴. ۴. الحدیث، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵. شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، باب ۲۱۹، ص ۴۵.

از آنچه درباره حیا ذکر شد، استفاده می‌شود که اگر نیروی حجب و حیا وجود داشته باشد، آلودگی به زشتی‌ها و گناهان، یا وجود ندارد و یا به حداقل می‌رسد. هر چه حیا بیش‌تر باشد، پاکی زیادتر است و از این رو، برای کم شدن درصد لغزش‌ها و جرم و جنایت در بین افراد، به عنوان یک سیاست بلند مدت و کوتاه مدت، بهتر است از راهکارهای افزایش حجب و حیا و ممانعت از چیزهایی که موجب پرده دری می‌شود استفاده شود.

#### نقش غیرت در کنترل غریزه جنسی

یکی دیگر از خصلت‌ها و صفات انسانی، که غرایز به ویژه غریزه جنسی را کنترل می‌کند، صفت غیرت در انسان است. غیرت مانند حیا و ایمان، امری درونی است که مانع از انجام بعضی کارها می‌شود.

#### الف. تعریف غیرت

غیرت یعنی نفرت طبع ناشی از بخل بر شرکت دیگری در امری که فرد سخت آن را دوست دارد و شریک ناپذیری در آنچه مورد علاقه اوست.

#### ب. رابطه غیرت و پاکدامنی

امام علی علیه السلام در باره نقش غیرت در جلوگیری از گناهان، به خصوص گناهان جنسی، می‌فرماید: «قدر الرجل علی قدر همته و عفته علی قدر غیرته؛ ارزش و قدر انسان به اندازه همت و تلاش او و عفت و پاکدامنی او به اندازه غیرت‌اش است». و نیز: «ما زنی غیور قط؛ انسان غیرتمند هرگز زنا نمی‌کند»<sup>۱</sup> و برای این که غیرت افراد را تحریک نمایند که سراغ تجاوز به ناموس دیگران نروند می‌فرمایند: «من زنی زنی به و لوفی عقب عقبه؛ هر کس زنا کند با او زنا خواهد شد اگر چه در نسل‌های بعد از او باشد»<sup>۲</sup> و نیز: «من اکثر من عرف به و من زنی زنی به؛ از بیش‌ترین چیزهایی که معروف است این است که هر کس زنا کند با او زنا خواهد شد».

هم‌چنین مردانی که زنان‌شان در بین راه به مردان تنه می‌زنند را سلامت می‌نمایند و می‌فرمایند: «یا اهل العراق! نبت ان نساکم یدافعن الرجال فی الطریق اما تستحیون»<sup>۳</sup>.

انسانی که غیرتمند است همان‌گونه که مانع می‌شود که به حریمش تجاوز کنند، با توجه به این که هر بدی در مورد دیگری انجام دهد به خودش خواهد رسید، به خود نیز اجازه نمی‌دهد که به حریم دیگران تعدی نماید.

#### توصیه به تقوا و پرهیزگاری

رعایت تقوا و ترس از عذاب الهی، نقش زیادی در کنترل غرایز از جمله غریزه جنسی دارد.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۲۱۱، باب ۳۱۱، قصار ۳۰۵.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲۰، باب ۷۱۹، ص ۳۲۳ و فرهنگ معارف و معاریف، ج ۷، ماده غیرت.

کسی که زمام حواس ظاهر و باطن خود را به دست عقل و شرع داده باشد، به راحتی می‌تواند هنگام انتخاب‌ها، راه شایسته را انتخاب نماید و از انحرافات و لغزش‌ها مصون بماند. کسی که در زندگی روز مره خدا را شاهد و ناظر گفتار و کردار خود ببیند، تمام سعی خود را می‌نماید که رضایت او را به دست آورد. از این رو می‌توان گفت که داشتن نیروی تقوا و پرهیزگاری، نقش زیادی در کاهش خطاهای جنسی دارد.

### توصیه‌های خاص (جنسی)

#### توصیه به حکومت

حکومت‌ها با توجه به در اختیار داشتن امکانات وسیع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و انتظامی و غیره، نقش عمده‌ای در کاستن یا افزودن انحرافات جنسی و یا ارضای صحیح و غلط نیاز جنسی دارند. این که چه فیلم، موسیقی، کتاب، مجله‌ای مجاز باشد، این که رفع نیاز جنسی به چه شیوه‌ای قانونی باشد، این که سن ازدواج دختران و پسران چند سالگی باشد، این که برای کم کردن فاصله بین بلوغ و ازدواج چه سیاست‌هایی باید به اجرا در بیاید و موارد بسیار دیگر، از جمله چیزهایی است که به عهده حکومت است. امام علی علیه السلام به همین جایگاه حکومت توجه دارند و نمونه‌هایی را مطرح می‌نمایند. مثلاً ازدواج در اسلام آن قدر مهم شمرده شده که در مواردی لازم است حاکم اسلامی مقدمات ازدواج افراد را فراهم آورد. حضرت علی علیه السلام با توجه به این مسئله به کار پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می‌کند و می‌فرماید: «و قد علمتم ان رسول الله صلی الله علیه و آله رجم الزانی المحصن ثم صلی علیه ثم ورثه اهل و قطع ید السارق و جلد الزانی غیر المحصن ثم قسم علیهما من الفی و نکح المسلمات؛ حقیقتاً شما می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله شخص زناکاری که همسر داشت را سنگسار نمود، سپس بر او نماز گذارد و بازماندگانش از او ارث بردند و دست دزد را قطع نمود و زناکار بدون همسر را تازیانه زد؛ سپس سهم آن دو را از غنیمت داد و زن‌های مسلمان را به نکاح آن‌ها در آورد»<sup>۱</sup>.

از این روایت در خصوص نقش حکومت‌ها راجع به مسایل جنسی، استفاده می‌شود که: اولاً برای اصلاح مفاسد باید سراغ ریشه‌ها و عوامل آن رفت و زمینه‌های فساد را از بین برد؛ ثانیاً امیال و غرایز، از جمله میل جنسی، باید از راه مشروع ارضا شود؛ ثالثاً هر کس جرمی مرتکب شد به اندازه جرمش مجازات شود نه بیش‌تر و رابعاً هزینه ازدواج نیازمندان، باید از بیت‌المال تأمین شود.

#### توصیه به خانواده‌ها

آن‌چه که خانواده‌ها به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی فرزندان باید به آن توجه نمایند، بیش‌تر از آن است که در یک مقاله بتوان به آن پرداخت، اما باید با مجموعه‌ای از دانش‌های

تربیت فرزند آشنا بود و کودک و نوجوان را بعد از تولد به حال خود رها نکرد و همان گونه که سلامت جسمی آن‌ها مهم است، نباید از سلامت روانی آن‌ها غافل بود. باید نسبت به مکان‌هایی که آمد و رفت می‌کنند، افرادی که با آن‌ها معاشرت دارند و خلاصه نسبت به خلوت و جلوت آن‌ها حساس و با خبر بود و البته زمینه ارضای صحیح و به موقع نیازهای جنسی فرزندان را به وسیله ازدواج فراهم آورد. از سوی دیگر در صورت مشاهده لغزش و انحراف جنسی، نباید به صورت تخریبی و عجولانه با آن برخورد کرد؛ بلکه بهتر است پدرها و مادرها با همفکری یکدیگر و مشورت با افراد کارشناس، به فکر اصلاح رفتارهای ناصواب بر آیند.

### توصیه به کسب تقوا و پرهیزکاری

کنترل چشم و خودداری از نگاه کردن به مناظر تحریک کننده

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قوه بینایی نقش مهمی در تغییر و جهت دادن به گرایش‌ها و امیال انسانی دارد؛ بنابراین باید از دیدن هر آنچه غریزه جنسی را تحریک می‌نماید، خودداری شود و در صورت پیش آمدن چنین صحنه‌هایی، از ادامه نگاه کردن به آن اجتناب گردد. حضرت علی علیه السلام علاوه بر این که مردم را از نگاه کردن به نامحرم نهی می‌کنند، به تشویق و ترغیب چشم پوشی از محرّمات نیز پرداخته و در این زمینه به آرایه الگو می‌پردازند و می‌فرمایند: «غَضَّ الطرف من محارم الله افضل عبادة؛ بهترین عبادت چشم پوشی از محرّمات خداست»<sup>۱</sup>؛ «غَضَّوا ابصارهم عمّا حرم الله عليهم؛ آن‌ها از آنچه خدا بر آن‌ها حرام کرده چشم پوشیدند»<sup>۲</sup>.

آن حضرت پاکان را در جامعه می‌ستاید و چنین توصیف می‌کند: «و بقی رجال غَضَّ ابصارهم ذکر المرجع و اراق دموعهم خوف المحشر؛ و مردانی باقی مانده‌اند که یاد معاد چشم آن‌ها را پوشانده و ترس از محشر اشک‌شان را جاری ساخته است»<sup>۳</sup>.

### پوشش و حجاب

در راستای پاکدامنی و حفظ نفس از گناه انسان، علاوه بر این که باید از بعضی مناظر تحریک کننده دوری شود، باید اعضای بدن که برای دیگران تحریک کننده است، نیز پوشانده باشد. از این پوشش به «حجاب» تعبیر می‌شود. حجاب و پوشاندن بدن، برای مرد و زن لازم شمرده شده است؛ اگر چه در مقدار آن بین آن دو تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد.

با توجه به آنچه گفته شد، لزوم و ضرورت پوشش برای زنان نیز روشن است، تا با قرار گرفتن در حصار و قلعه حجاب و لباس، از تیر رس نگاه‌های آلوده صیادان هوسران در امان بمانند. امام علی علیه السلام در سفارشی که به فرزندشان دارند درباره زن‌ها می‌فرمایند: «واكفف عليهن

۱. همان، ج ۱۲، باب ۲۲۳، ص ۱۱۷.

۲. معجم الفاظ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۲.



من ابصار من بحجابک ایامن فان شدّة الحجاب ابقى علیهن؛ آن‌ها را در پرده حجاب قرار بده تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است<sup>۱</sup>.

از آن‌جا که هدف این کارها حفظ عفت و پاکدامنی زن و مرد است، خانه به عنوان حجاب برای زن به حساب می‌آید و در خانه بودن برای زن بهتر از بیرون بودن است؛ اما اگر قرار باشد افرادی که مورد اطمینان نیستند در خانه آمد و رفت نمایند و احتمال لغزش وجود داشته باشد، لازم است که زن در خانه نماند. حضرت در ادامه می‌فرمایند: «ولیس خروجهن باشد من ادخالک من لا یوثق به علیهن؛ خارج شدن زن‌ها از خانه سخت‌تر از این نیست که تو کسی را به خانه ببری که در مورد زنها به او اطمینان نداری»<sup>۲</sup>.

همان‌طور که پوشش برای زن لازم است، مرد هم باید بدن خود را بپوشاند؛ اما از آن‌جا که تحریک‌کننده‌گی بدن مرد برای زن به اندازه محرک بودن زن برای مرد نیست و نیز به خاطر نوع وظیفه‌ای که مرد در جامعه دارد، پوشیدن تمام بدن از مرد خواسته نشده است. در عین حال از زن‌ها خواسته شده است که به بدن مردها نگاه نکنند؛ به ویژه اگر به قصد لذت بردن باشد. از این جهت امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «مرد حق ندارد لباسش را از ران خود کنار بزند و در میان مردم بنشیند»<sup>۳</sup>. با توجه به این که غرض از پوشیدن لباس، نمایان نبودن بدن است، علاوه بر این که بدن را از سرما و گرما حفظ می‌کند، پوشیدن لباس نازک و بدن نما برای مرد و زن فایده ندارد و مورد مذمت قرار گرفته است. حضرت می‌فرمایند: «بر شما باد که لباس کلفت و ریز بافت بپوشید، زیرا هر کس لباس اش نازک و رقیق باشد، دین اش هم رقیق و ضعیف خواهد بود»؛ «پوشش بدن، همه جا خوب است، حتی وقتی انسان در مقابل خدا قرار می‌گیرد»<sup>۴</sup>؛ «هیچ کس از شما در حالی که لباس نازک به تن دارد در مقابل خدا قرار نگیرد»<sup>۵</sup>.

#### کنترل قوه لامسه

از زمانی که انسان از نظر جنسی بالغ می‌شود، از لمس بدن دیگری احساس لذت می‌کند و نوعی ارضای جنسی برایش حاصل می‌شود. از همین رو میل به لمس کردن بدن دیگری پیدا می‌کند و هر چه از زمان بلوغ می‌گذرد این میل در او شدیدتر می‌شود. علت این مطلب، این است که غریزه جنسی تا قبل از نوجوانی در او به صورت بالقوه است و اکنون به فعلیت رسیده و روز به روز بر فعلیت‌اش افزوده می‌شود تا به حد کمال برسند. پس فرد برای دست یابی به نوعی ارضای جنسی، به لمس بدن دیگر انسان‌ها به ویژه از جنس مخالف رو می‌آورد و اگر این تماس حاصل شود احساس لذت می‌کند.

۱. معجم الفاظ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. نهج البلاغه، وصیت ۲، ص ۷۲۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

ارضای میل جنسی از طریق تماس بدنی، گرچه نسبت به ارضای دیداری و شنیداری کمتر امکان حصول پیدا می‌کند، ولی از آن‌جا که کم‌ترین تماس بدنی به ویژه با جنس مخالف با بیش‌ترین و شدیدترین لذت همراه است و از طرفی خود تماس، تحریک‌کننده شهوت و میل جنسی در افراد است، باید روابط بین افراد دارای ضوابط و اصولی باشد که از طرف شرع، عقل و عرف پذیرفته است. از این‌رو اگر روابط و معاشرت انسان‌ها کنترل نشود، چه این کنترل کردن از طرف نیرویی بیرون از فرد باشد، مانند والدین، مربیان، قوانین و هنجارهای اجتماعی و یا از درون مانند ایمان، غیرت و غیره، فرد به بی بند و باری در روابط خانوادگی و اجتماعی کشیده می‌شود و به دنبال آن انحرافات و لغزش‌های جنسی مانند زنا، لواط، مساحقه و غیره به وجود می‌آید. زنا موجب هرج و مرج در جامعه و اشتباه و اختلاط در نسب‌ها می‌شود و لواط موجب قطع نسل می‌گردد. امام علی علیه السلام درباره فلسفه تحریم زنا و لواط می‌فرماید:

«خداوند ترک زنا را واجب کرد تا نسب‌های بین افراد حفظ شود و ترک لواط را واجب نمود تا نسل انسان تکثیر شود».

با توجه به این‌که این مباشرت و معاشرت‌ها تنها محدود به زن و مرد نمی‌شود، بلکه رابطه مرد با مرد و زن با زن را هم شامل می‌شود، وقتی مردها به لواط و زناها به مساحقه اکتفا می‌کنند، اثر سوء قطع نسل را به دنبال دارد.

## ازدواج

### ازدواج دائم

برای رشد و نمو، تولید، تکثیر و بقا نوع انسانی، شهوت‌های گوناگونی در انسان قرار داده شده است و باید به گونه‌ای که با هدف خلقت منافات نداشته باشد، آن‌ها را ارضا نمود. کسی که تشنه یا گرسنه است آرامش ندارد و آن‌که نیاز به خواب دارد قرار ندارد؛ کسی که میل جنسی و هر میل دیگری در او شکل گرفته باید آن را ارضا نماید تا به سکون و آرامش برسد. ظاهراً این آیه شریفه هم به این مسئله نظر دارد: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها؛ و از نشانه‌های اوست که برای شما زوج‌هایی از خودتان آفرید تا با آن‌ها به سکون برسید»<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام یادآور می‌شوند که هرگاه به علتی تحریک جنسی رخ داد باید با آمیزش آن میل را از بین برد: «اذا رأی احدکم امرءة تعجبه فلیبیت اهلها فان عند اهلها مثل ما رأی، ولا یجعلن للشیطان الی قلبه سیلا و لیصرف بصره عنها، فان لم یکن له زوجة فلیصل رکعتین و یحمدالله کثیرا و یصلی علی النبی و اله ثم لیسئل الله من فضله فانه ینبیح له برأفته ما یفتیه؛ هرگاه یکی از شما زنی را دید که موجب تعجب‌تان شد، باید سراغ همسرش برود؛ زیرا نزد همسرش مثل همان چیزی است که

دیده است، و برای شیطان راهی به سوی دل قرار ندهد، و چشم خود را از آن زن برگرداند، و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز گذارد و حمد خدا را زیاد بگوید و بر پیامبر و آتش درود بفرستد. سپس از خداوند قرضش را طلب نماید؛ زیرا که خداوند به سبب مهربانی اش آن چه که او را بی نیاز کند برایش مباح می نماید».

از این سخن استفاده می شود که بهترین راه تعدیل غریزه جنسی، عمل زناشویی است. به علاوه باید از نگاه کردن به زن بیگانه خودداری کرد، چه انسان همسر داشته باشد و چه نداشته باشد؛ زیرا نگاه پی در پی آتش شهوت را شعله ورتر می کند. اگر امکان ارضای میل جنسی نباشد، باید با خواندن نماز و توسل به اهل بیت علیهم السلام به آن ها پناه برد و از آن ها کمک خواست. این توجه به خدا و اهل بیت علیهم السلام به نوبه خود ایمان را تقویت می کند و باعث می شود فکر گناه به سر انسان نزنند. به علاوه، این توجه باعث می شود انسان به خود آید و شرم و حیا از آن ها، جلوی لغزش او را بگیرد.

#### ازدواج موقت

همان طور که گفته شد ارضای میل جنسی، از زمان بلوغ لازم است؛ در حالی که امروزه تقریباً برای هیچ نوجوان و جوانی امکان ازدواج دائم و تشکیل زندگی مشترک وجود ندارد و سال های متممادی بین بلوغ جنسی و تشکیل خانواده فاصله می افتد؛ به خصوص که بیکاری و فقر از طرفی و تشریفات و تجملات ازدواج و زندگی از طرف دیگر، بیش تر به این فاصله دامن می زند. از سوی دیگر مردان و زنانی که به دلایل گوناگون بدون همسر زندگی می کنند، در جامعه فراوانند؛ حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: *لولا ما سبق من ابن الخطاب فی المتعة ما زنی الا شقی؛* اگر نبود آن چه از عمر در باره ازدواج موقت گذشت (و از آن نهی کرد) جز انسان بدبخت سراغ زنا نمی رفت»<sup>۱</sup>. ازدواج اعم از دائم و موقت، برای فرد ایجاد آرامش می نماید و حاکم بودن آرامش بر جسم و جان انسان، باعث می شود تا جامعه که از مجموعه ای از انسان ها تشکیل شده نیز از آرامش و امنیت مناسبی برخوردار گردد. این کار آثار مثبت زیادی در سطح خرد و کلان به همراه خواهد داشت. علاوه بر این که ارضای نیازها و به خصوص نیاز جنسی، اگر از راه نادرست باشد، با سرزنش و ملامت های وجدان از درون و سرزنش ها و مجازات های مردم و دولت از بیرون، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت که در جای خود بررسی شده و این تحقیق گنجایش پرداختن به آن را ندارد.

#### آرایش و استعمال عطریات

همه انسان ها از زیبایی لذت می برند و از بوی خوش و پاکیزگی به وجد می آیند. از این رو هر

جا و هر گاه منظره‌ای زیبا ببینند و یا بوی خوشی را استشمام کنند، به آن متمایل می‌شوند و دوست دارند لحظاتی از عمر خود را در کنار آن بگذرانند. برای این که زن و شوهر بهتر از یکدیگر لذت ببرند و از یکدیگر کامجویی نمایند و دل خود را به جای دیگری غیر از خانه و به کس دیگری غیر از همسر خود مشغول نمایند، بهتر است همیشه پاکیزه و معطر در کنار هم حاضر شوند و اگر بدن آن‌ها بد بو شده آن را برطرف نمایند تا زمینه نفرت و گریز از بین برود و همدیگر را بیش‌تر دوست داشته باشند.

امام علی علیه السلام در این زمینه زن را مخاطب ساخته می‌فرماید: «لتطیب المرأة المسلمة لزوجها؛ زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوشبو نماید»<sup>۱</sup> و با توجه به نقش مهم زن در ایجاد فضای سالم و محیطی صمیمی برای خانواده، به ویژه شوهر، جهاد زن را خوب شوهر داری کردن می‌دانند و می‌فرمایند: «جهاد المرأة حسن التبعيل»<sup>۲</sup>.

از سوی دیگر آرایش و خضاب نمودن مردها نیز مدح شده و آن را سبب تعجب زنها می‌دانند و می‌فرمایند: «علیکم بالغضاب فانه اعیب لعدوکم و اعجب الی نساءکم؛ بر شما باد به خضاب نمودن، زیرا که آن موجب هیبت شما برای دشمن می‌گردد و برای همسرانتان تعجب‌آورتر است»<sup>۳</sup>. از آن‌جا که خضاب نمودن یک نوع آرایش به حساب می‌آید، شایسته است مردها در همه ابعاد به زیبایی و پاکیزگی توجه نمایند و زمینه بیش‌تری برای پاکدامنی همسر خود فراهم نمایند. از سوی دیگر چون زن‌ها عاطفی‌تر از مردها هستند و به هر کس به آن‌ها محبت نماید علاقه‌مند می‌گردند و مقاومت‌شان در برابر او کم می‌شود، شوهر باید به نیازهای جسمی و روحی زن توجه نماید تا زمینه‌های کج رفتاری و انحراف از بین برود. امام علی علیه السلام به خصوصیتی از زنها اشاره می‌کنند و به مردها سفارش می‌کنند که با آن‌ها مدارا نمایند و می‌فرمایند: بنابراین در هر حال با آن‌ها مدارا نمایید و با آن‌ها نیکو سخن بگویید، شاید رفتارشان نیکو شود.

در این حدیث شریف، علاوه بر این که یک نگاه روان‌شناسانه به زن شده است، به راهکاری مناسب در برخورد با آن‌ها اشاره شده که می‌تواند نقش مهمی در حفظ نهاد خانواده ایفا نماید.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷): اخلاق در قرآن، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۱. نهج البلاغه، وصیت ۲، ص ۷۳۷.

۲. همان، قصاص ۱۳۶.

۳. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۸، باب ۱۸، ص ۱۲۳.

۳. فروید، مرتضی (۱۳۶۶): الحدیث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. موسوی، سیدصادق (۱۴۱۸ق): تام نهج البلاغه، قرآن، موسسه الامام صاحب الزمان (عج).
۵. موسایی، میثم (۱۳۶۹): چهل حدیث نگاه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. امین، حسن: سیری در زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه: رضا رجب زاده (۱۳۷۷)، مشهد، رستگار.
۷. ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه (نوم افزار کامپیوتری).
۸. آمدی، عبدالواحد: شرح غررالحکم و دررالکلم (نوم افزار کامپیوتری).
۹. سیاح، احمد (۱۳۶۶): فرهنگ جامع عربی - فارسی مصور، قم، انتشارات اسلام.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸): ماه مهرپرور (تربیت در نهج البلاغه)، تهران، خانه اندیشه جوان.
۱۱. دشتی، محمد و سیدکاظم محمدی (۱۳۷۶): معجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه (همراه با نهج البلاغه و ترجمه)، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۲. النوری الطبرسی، میرزاحسن (۱۹۸۷م): مستدرک وسایل الشیعه، بیروت، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۱۳. الهاشمی الحویی، حبیب الله: منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، قم، دارالعلم.
۱۴. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۲۸): ترجمه نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام.